

1.....	
1.....	
1.....	:
1.....	:
1.....	:
2.....	1389
2.....	
5.....	چکیده
6.....	مقدمه
7.....	فصل اول: کلیات
8.....	بخش اول: طرح مساله
8.....	1-1 بیان مسئله :
9.....	2-1 سوال اصلی :
9.....	3-1 سوالات فرعی :
9.....	4-1 پیش فرض ها :
9.....	5-1 پیشینه تحقیق
10.....	6-1 پیشینه ی تجمل گرایی
13.....	7-1 ضرورت تحقیق
15.....	8-1 روش تحقیق
15.....	9-1 هدف تحقیق
15.....	10-1 موانع و مشکلات
15.....	بخش دوم: مفهوم شناسی
15.....	11-1 تعریف واژگان مرتبط با تجمل گرایی

- 12-1 جمال:..... 16
- 13-1 زینت..... 17
- 14-1 تجمل گرایی در لغت و اصطلاح..... 19
- 15-1 افراط..... 19
- 16-1 حد..... 20
- 17-1 مفهوم شناسی اعتدال..... 21
- الف) اعتدال در لغت : 21
- ب) اعتدال در اصطلاح : 22
- 18-1 معنی و مفهوم اسراف..... 25
- 19-1 فرق بین تجمل و تجمل گرایی..... 26
- فصل دوم: جایگاه تجمل و تجمل گرایی از دیدگاه آیات قرآن و روایات..... 30
- 1-2 مفهوم آراستگی..... 32
- 2-2 جایگاه تجمل و آراستگی در قرآن و روایات..... 32
- 3-2 اعتدال و میانه روی در آراستگی..... 41
- 4-2 تجمل گرایی در قرآن کریم..... 42
- 5-2 ویژگیهای مترفین در قرآن:..... 48
- 6-2 نفی تجمل و رفاه زدگی در سیره پیامبر(ص)..... 50
- 7-2 تجمل گرایی از منظر امام علی(ع)..... 55
- فصل سوم: معیارها و مصادیق تجمل گرایی..... 60
- 1-3 معیارهای تجمل گرایی..... 62
- 2-3 برخی از مصادیق تجمل گرایی..... 65
- 1-2-3 تجمل گرایی در لباس و پوشاک..... 65
- 2-2-3 تجمل گرایی در تهیه وسایل زندگی..... 67
- 3-2-3 تجمل گرایی در تهیه مسکن..... 69
- 4-2-3 تجمل گرایی در تهیه ی وسیله نقلیه:..... 73
- 5-2-3 تجمل گرایی در پذیرایی از مهمان..... 74
- فصل چهارم: عوامل و زمینه های تجمل گرایی..... 78
- 1-4 جهل و نادانی..... 80
- 2-4 هواپرستی..... 80
- 3-4 فزونی ثروت و رفاه زدگی..... 83
- 4-4 احساس حقارت و خود کم بینی (احساس کمبود شخصیتی)..... 86
- 5-4 خودنمایی و خودبرتربینی:..... 87
- 6-4 تقلید..... 87

90	7-4 فرهنگ جامعه و محیط
92	8-4 رهبران فکری و اجتماعی جامعه
97	4-9 صدا و سیما و مطبوعات
99	4-10 چشم و هم‌چشمی
100	4-11 تربیت خانوادگی
101	4-12 استعمار
103	4-13 وسواس
105	فصل پنجم: آثار و پی‌آمدهای تجمل‌گرایی
106	5-1 آثار و پیامدهای فردی
106	5-1-1 فراموشی یاد خدا
109	5-1-2 طغیان و سرکشی
111	5-1-3 غفلت از ارزش‌ها
113	5-1-4 از بین رفتن آرامش واقعی
114	5-2 آثار و پی‌آمدهای اجتماعی
114	5-2-1 مفاسد اخلاقی و رفتاری
117	5-2-2 وابستگی اقتصادی
121	5-2-3 نابودی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها
123	5-2-4 کاهش معنویت در جامعه
124	5-2-5 فاصله گرفتن از توده مردم
124	5-2-6 فقر و محرومیت اجتماعی
128	فصل ششم: راههای مبارزه با تجمل‌گرایی
129	6-1 تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی
133	6-2 استفاده از ظرفیت‌های دینی عمومی
133	6-3 پیروی از الگوی مصرف در اسلام
135	6-4 ترویج روحیه قناعت و صرفه‌جویی
140	6-5 ترویج فرهنگ ساده‌زیستی
143	6-6 افزایش آگاهی‌های عمومی و تبیین آثار سوء تجمل‌گرایی
145	6-7 الگوگیری از سخنان و رفتار پیشوایان دینی و بزرگان
147	6-8 برقراری عدالت اجتماعی
147	6-9 دوری خواص و رهبران فکری و اجتماعی جامعه از تجمل‌گرایی
149	6-10 احیاء امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی
154	6-11 اصل انفاق مازاد درآمد
157	نتیجه‌گیری

پیشنهادات	160
فهرست منابع	162

چکیده

یکی از مهم ترین مشکلات ، در جوامع امروزی، مسأله تجمل گرایی است. تجمل به معنای آراستگی ظاهر و تجمل گرایی به معنای افراط و و زیاده روی در آراستگی است. تجمل گرایی در دیدگاه عرف، به معنای روی آوردی بیش از حد به مادیات و گردآوری اشیا و لوازم غیرضروری و دل بستن به آنهاست، به گونه ای که این عمل، به یک هدف برای انسانها تبدیل شود. این نوع تجمل گرایی نه تنها سفارش نشده، بلکه به دلیل پی آمدهای ناخوشایند آن، نکوهش نیز شده است. البته زیبایی های مصنوعی و تجمل و خود آرایی مورد عنایت مخصوص قرآن کریم و روایات مذهبی است اما توجه بیش از اندازه به این امر ممکن است باعث پیدایش عادات ناپسندی هم چون، غرور، غفلت از یاد خدا، خود پسندی ، خود نمایی شود . وانسان با پرداختن به این مسائل راه سعادت و تکامل را که هدف نهایی از خلقتش می باشد از بین می برد. از این رو در جهت کمرنگ کردن این مسأله باید مقدماتی از قبیل عوامل تجمل گرایی، آثار فردی و اجتماعی تجمل گرایی، راهکار های جلوگیری از آن را باید شناخت و آن ها را درمان کرد.

کلمات کلیدی: تجمل گرایی، تجمل و آراستگی، اعتدال و میانه روی، اسراف، اتراف، رفاه زدگی

مقدمه

آدمی برای ادامه زندگی از تامین یک سلسله نیازمندیها از قبیل غذا، مسکن، لباس و دیگر نیازهایش، ناگزیر است و علاقه به این امور در سرشت او به ودیعه نهاده شده است و در دستورات اسلامی نیز در حد اعتدال به تهیه و تامین این نیازمندیها ترغیب شده است.

مطالبی پیرامون استفاده از مسکن مناسب، لباس پاکیزه و مناسب شان و موقعیت افراد، همه گویای عنایت شرع مقدس به برخورداری انسانها از نعمتهای الهی می باشد.

تجمل، به معنای آراسته شدن و زینت دادن آمده است. اسلام به بهره مندی متعادل و متناسب با شرایط زمان و مکان از تجمل و زینت چه در معنای ظاهری و چه در معنای باطنی بسیار سفارش کرده است و اولیاء گرامی اسلام، استفاده از آن را به پیروان خود اکیداً توصیه نموده اند. جامه زیبا پوشیدن، به مو شانه و روغن زدن، معطر بودن و خلاصه خود را آراستن در حال عبادت و در مواقع معاشرت با مردم، در مسجد یا در محیط خانواده، از مستحبات مؤکد و جزء برنامه روزانه مسلمین است. اما میزان و حد بکارگیری زینت و آراستگی نیز حائز اهمیت است چرا که اسلام جایز نمی داند که مسلمانان در هیچ زمینه دچار افراط و تفریط شوند. لذا در خصوص این امر نیز حد اعتدال را انتخاب نموده و آن را جزو لاینفکی برای رشد و تعالی انسان می داند. اما از نظر مکتب جاوید اسلام، توجه مفرط به زینت و آراستگی و ظواهر زندگی و خروج از حد اعتدال در استفاده از وسایل دنیوی که تجمل گرایی نامیده می شود، به شدت نکوهیده شده است.

در چند سال اخیر ساده زیستی، حداقل در ابعاد ظاهری، کم و بیش جای خود را به تجمل گرایی و توجه به امور ظاهری داده است. تغییر جهت فرهنگ خرید و مصرف خانواده ها به سمت تجمل گرایی، موضوع نگران کننده ای است. تجمل گرایی و رفاه زدگی و گرایش به ظواهر دنیوی، غفلت از آراستگی های درونی و معنوی را به دنبال دارد و یکی از بزرگ ترین مواردی است که افراد خانواده را در اجتماع به کام فروبرده است. گو اینکه زندگی تجملی و پرزرق و برق نشان گر متمدن بودن مردم است.

انسانی که به تجملات عادت کرد نمی تواند سختی های راه خدا را تحمل کند, نمی تواند
همنشینی و معاشرت با مردم فقیر و مستمند را شیوه اجتماعی خود قرار دهد, به ناچار بتدریج از توده
مردم فاصله گرفته و نسبت به دردمندان و محرومان بی تفاوت خواهد شد.
بنابراین دلباختگی نسبت به امور دنیا و زرق و برق آن -که در قالب تجمل گرایی ظاهر می
شود -محکوم است نه بهره گیری معتدل و حساب شده از نعمت های این جهان.

فصل اول: کلیات

بخش اول: طرح مساله

بخش دوم: مفهوم شناسی

بخش اول: طرح مساله

1-1 بیان مسئله :

می توان فعالیت های زندگی انسان را به سه بخش ضروری، رفاهی و تجملی تقسیم کرد. در زندگی ضروری، انسان به دنبال تامین نیازهای اولیه و ضروری است و تامین خوراک و پوشاک را سرلوحه فعالیت های اقتصادی روزانه خود قرار می دهد .

اسلام نیز این حد از تامین معیشت برای مردم در زندگی مشترک واجب می داند. در زندگی رفاهی، انسان درصدد تامین رفاه بیشتر برای خانواده است و تلاش می کند امور روزمره خود را از حد ضرورت فراتر برده، خوراک و پوشاک و مسکن بهتر و بیشتری برای خانواده خود فراهم نماید. این قبیل تلاش ها نیز در دستورات اسلامی ستوده شده و از آنها به «جهاد» تعبیر شده است، یعنی در اسلام زندگی بهتر همراه با رفاه بیشتر منع نشده است .

اما آنچه که جامعه را به سمت هلاکت نزدیک می کند زندگی تجملی است. مصداق روشن زندگی تجملی اسراف در مصرف است. اسلام همه راههایی را که ممکن است انسان، ثروت خود را در تهیه زندگی تجملی و سراسر اسراف و تبذیر صرف کند، بسته است. مصارفی که اسلام مشروع و مباح ساخته، عبارت است از هزینه ها و مخارجی که انسان در تأمین یک زندگی متعارف و معمول، مصرف میکند. اگر درآمد او از تهیه این نیازمندیهای متعارف و معمولی اضافه بود، باید آن را بر اساس توصیه اسلام، در راه تأمین مصالح جامعه و کمک به کسانی که توان تأمین نیازمندیهای زندگی را در سطح متوسط ندارند، مصرف کند که به تقوا نزدیک تر است.

در این پژوهش ضمن تبیین ماهیت تجمل گرایی و عوامل پیدایش آن ابعاد مختلف آن مورد بررسی علمی قرار می گیرد .

این پژوهش برآن است موضوع یاد شده را بر اساس نصوص معتبر دینی و با نگاهی نو و فراگیر و منطبق بر نیازها و واقعیات زمانه مورد تحلیل و بررسی قرار دهد . امید است با الگو قرار دادن دستورات دینی و فرهنگ اسلامی جامعه ای به دور از تجمل گرایی داشته باشیم.

1-2 سوال اصلی :

نظر اسلام درباره تجمل گرایی چیست؟

1-3 سوالات فرعی :

الف- تجمل گرایی چیست و مرز میان تجمل منفی و تجمل مثبت چیست؟

ب- عوامل و زمینه های گرایش به تجمل گرایی چیست؟

ج- مصادیق تجمل گرایی چیست؟

د- پی آمدهای تجمل گرایی چیست؟

ه- برنامه های دین اسلام برای مبارزه با تجمل گرایی چیست؟

فرضیه: تجمل گرایی از دیدگاه اسلام، مذموم است و از آن نهی شده است .

1-4 پیش فرض ها :

- آموزه های وحیانی قرآن به عنوان راهنمای زندگی بشر، در بردارنده بهترین، آسان ترین، ساده ترین و کامل ترین شیوه زندگی است.

- انسان موجودی چند بعدی و چند کانونی است. اسلام نیز که دین جامع و کاملی است، به

تمام نیازهای انسان توجه دارد.

1-5 پیشینه تحقیق

این بحث از دیرباز میان مسلمانان و اندیشمندان اسلامی مطرح بوده است . پیشینه این بحث در اسلام، به زمان پایه گذاری اسلام در مدینه بازمی گردد. قرآن کریم با تعبیرهای گوناگون، تجمل گرایی را نکوهیده و پیامبر اسلام (ص) نیز با پیروی از دستورهای الهی، در ابلاغ این پیام،

کوشیده است. هم چنین ائمه معصومین(ع) همگان را از اسراف و تبذیر برحذر داشته و اندیشمندان دینی نیز مردم را از آلوده شدن به تجمل گرایی پرهیز داده اند.

در خصوص پژوهش در این موضوع، کتاب یا رساله ای جداگانه در مورد تجمل گرایی مشاهده نشد؛ هر چند اندیشمندان مسلمان به صورت ضمنی در لابه لای بحث های دیگری هم چون اسراف، تبذیر، زهد و دیگر بحث های اخلاقی به آن اشاره کرده اند. مفسران قرآن در ذیل آیات مربوطه کم و بیش به موضوع پرداخته اند.

تحقیق در مورد پدیده ی اسراف و تبذیر به ویژه از دیدگاه قرآن و حدیث سابقه ای طولانی دارد و اندیشمندان مسلمان به خصوص فقیهان، ضمن مباحث فقهی خود و به پیروی از رهنمودها و سخنان رسیده از پیشوایان دین(ع) به برخی از مباحث مربوط به اسراف و تبذیر و در برخی موارد تجمل گرایی پرداخته اند؛ ولی اولاً مباحث ایشان با صبغه ی کاملاً فقهی و بیشتر با رویکرد فردی نگاشته شده و به جنبه های اجتماعی و حکومتی موضوع توجه چندانی نشده.

افزون برآن، می توان گفت چون مردم تا یکی دو قرن اخیر، رفاه نسبی و قابل توجهی نداشتند و بیشتر آنان در سطح متوسطی بودند، تنها برای برآوردن نیازهای ضروری و روزانه خود می کوشیدند و جایی برای اندیشیدن و پرداختن به تجمل، باقی نمی ماند.

باید دانست این سخن بدان معنا نیست که وجود تجمل گرایی را به طور کلی نفی کنیم. در همین دورانها، گروه اندکی از افراد جامعه با توجه به قدرتی که در جامعه داشتند، زندگی متفاوتی را برای خود تدارک می دیدند. تجمل گرایی و اشرافی گری از عادت های اشراف و ثروتمندان به شمار می آمد و فرهنگ کلی جامعه، آن را بسیار معمولی و عادی می پنداشت. به همین دلیل، به بررسی این موضوع، نیازی احساس نمی شد.

بنابراین این موضوع به صورت جامع و شامل کمتر مورد توجه اندیشمندان و محققان اسلامی قرار گرفته است و کار در خور توجه و جامعی صورت نگرفته است و تحقیق بیشتری می طلبد تا از رهگذر آن شناخت بیشتری به دست آید و آثار و پیامدهای آن برای مردم تذکر داده شود. از این رو مناسب به نظر می رسد که درباره ی این پدیده ی ناپسند با استفاده از آیات و روایات مربوطه، به بررسی و تحقیق بپردازیم.

1-6 پیشینه ی تجمل گرایی

در زمان اقوام پیشین مانند قوم بنی اسرائیل و فرعونیان تکاثر و زر اندوزی یک ارزش محسوب می شد؛ چنان که قرآن کریم درباره قارون و ارزشمند شدن ثروت و گنج های او در میان

قوم یهود و بنی اسرائیل، آیاتی بیان کرده است؛^۱ همچنین آیه 35 سوره زخرف، که درباره ارزش دانستن زینت و تجمل از ناحیه قوم حضرت موسی (ع) است .

ولی در زمان رسول گرامی (ص) و در پی تلاش های بی دریغ آن حضرت برای نشر فرهنگ الهی و وحیانی قرآن، به تدریج اشرافی گری و تجمل گرایی از جامعه مسلمانان کم رنگ شد و ضد ارزش شد، مسلمانان و مؤمنان در زمان پیامبر گرامی (ص) در پی نزول آیات قرآن کریم و راهنمایی های آن حضرت، برای انفاق، احسان و نیکوکاری، زندگی زاهدانه، جهاد و مبارزه با کنز و زر اندوزی و به دست آوردن رضایت خداوند و کسب ثواب اخروی رقابت می کردند.

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) گرایش به تکاثر و تجمل گرایی کم کم رنگ ارزش به خود گرفت و قبج جمع آوری مال از راه های نامشروع ریخته شد و امور مذکور ارزش قلمداد شد.

پس از پیامبر (ص) و به ویژه در عصر فتوحات و با استیلا بر بزرگترین شهرهای آسیا، مردم عربستان خشک با رفاه زندگانی جدید و نعیم آن روزگار آشنا شدند. ایران با کاخ شاهنشاهی و طاق نماهای زیبا و فرش های گرانبها و آن همه آرایش و شکوه، در اختیار مسلمانان قرار گرفت. روش تقسیم بیت المال در زمان خلیفه دوم، زمینه ساز چنین تحولی شد. رقابت بر سر دست یافتن به ثروت پدید آمد و تمامی جامعه را فرا گرفت.^۲

روی کار آمدن عثمان با روحیه اشرافی گری و تجمل طلبی، به این دگرذیسی سرعت داد. او بیش از دیگران به زندگی رفاهی روی کرد و به دنبالش بسیاری از صحابه نیز به آن روی آوردند. مسعودی مختصری از معیشت عثمان و صحابه را چنین آورده است:

عثمان در مدینه خانه ای با سنگ و آهک ساخت و درهای خانه را از چوب ساج گرفت و در مدینه اموال و باغها و چشمه های بسیار داشت. بسیاری از صحابه نیز خانه هایی بنا کردند از جمله زبیر، خانه ای در بصره ساخت که تاکنون معروف است. در مصر و کوفه و اسکندریه نیز خانه هایی بنا نمود. موجودی زبیر پس از مرگ پنجاه هزار دینار بود و هزار اسب و هزار غلام و کنیز داشت. طلحه در کوفه خانه ای ساخت که هم اکنون در محله کناسه به نام دارالطلحیین معروف است. از املاک عراق روزانه هزار دینار درآمد داشت. در ناحیه سراه بیش از این درآمد داشت. عبدالرحمن بن عوف نیز خانه های وسیعی ساخت. در طویله او یکصد اسب بود و هزار

^۱ قصص/79

^۲ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1380

شتر و ده هزار گوسفند. سعید بن مسیب می‌گوید؛ وقتی زید بن ثابت مرد چندان طلا و نقره به جا گذاشته بود که آن را با تبر می‌شکستند.^۱

مالک بن عوف، سرور و فرمانده قبیله هوازن، لباس‌های بلند می‌پوشید و با تکبر و غرور راه می‌رفت.^۲ این نوع پوشش نشانه شرافت و بزرگی بود.

ابن خلدون نیز با اذعان به این تحول، با این بیان که از مال حلال بوده، آنرا توجیه می‌کند.^۳ به هر صورت گرایش صحابه و دیگر مسلمانان به زندگی رفاهی با طبع آسوده خواه انسانی سازگارتر افتاد و مسلمانان روز به روز در آن فرو رفتند. آمدن امام علی(ع) و مبارزه پیگیر آن حضرت برای ایجاد اعتدال در جامعه اسلامی و توجه دادن مسلمانان به حقیقت زندگی نیز کارگر نیفتاد. بلکه بر شمار دشمنانش افزود. چون آنان که ثروت و مکتبی یافته بودند به هیچ طریقی حاضر به بازگشت نبودند. و امام بی‌آنکه توفیقی آشکار یابد به شهادت رسید.

در جمهوری اسلامی ایران نیز، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظامی بر سر کار بود که عناصر اصلی آن را تمایل به برتری جویی، جاه طلبی و کسب منزلت از طریق نمایش ثروت و قدرت، مصرف گرایی، تجمل گرایی و ... تشکیل می داد که علت اصلی آن در نظام نابرابر جامعه و تفاوت طبقاتی زیاد بود. زندگی شاه و درباریان و وجود کاخهای افسانه ای شاهانه و تجمل گرایی به همراه رفاه طبقه ای خاص در مقابل فقر توده عظیم ملت، فاصله ای در جامعه ایجاد کرده بود که تباهی و فساد نتیجه طبیعی آن بود .

با پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی ارزشها، نظام ارزشی جدید بر پایه عناصر مهمی همچون عدالت اجتماعی و مبارزه با بی عدالتی و نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار و وابستگی خارجی شکل گرفت.^۴

امام خمینی (ره) که خود طعم ظلم و ستم و نابرابری را مانند اکثر افراد ملت در دوران ستم شاهی پهلوی چشیده بود براساس خودسازی درونی و مبانی ارزشی دینی، همان زندگی سراسر

^۱ ابوالحسن علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده انتشارات علمی و فرهنگی چاپ پنجم 1374 ش، ج 1، ص 689 و 690

^۲ محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی، ج 3، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، 1409 ق، ص 885

^۳ عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج 1، ترجمه گنابادی، انتشارات اعلمی، چ هشتم، 1375، ص 390 و 392.

^۴ ر.ک: فرامرزی رفیع پور، توسعه و تضاد، بی جا، شرکت سهامی انتشار، 1387، ص 125.

ساده و به دور از هرگونه تجمل گرایی و رفاه زدگی را ادامه داد و مردم و دیگر مسئولان و دست اندرکاران نظام را نیز به سادگی و دوری از تجمل گرایی فراخواند.

بعد از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله و رحلت جانگداز حضرت امام، دشمن تلاش کرد تا از راه تهاجم فرهنگی و ایجاد وابستگی از طریق مصرف گرایی و تجمل گرایی وارد شود که با روی کار آمدن دولت جدید و تغییر سیاستها و اجرای تعدیل اقتصادی که در واقع روند توسعه اقتصادی در پیش گرفته شد، سرمایه از اهمیت زیادی برخوردار گردید و ملاک ارزیابیها، معیارهای اقتصادی و مادی گشت و در نتیجه اندک اندک شاهد تغییر ارزشها - هم در وسعت و هم در عمق - و بازگشت به ارزشهای منفی در دوران طاغوت بودیم .

در این شرایط ثروتمندان فرصت خودنمایی پیدا کردند و جهت کسب احترام، ثروت خود را براساس مقیاسهای ظاهری به نمایش گذاشتند. در کنار این نمایش ثروت، دولت بعد از جنگ نیز خود جریان تشدید کننده دیگری - حرکت اهرمهای نیازآفرین و تمایل به سوی تجمل گرایی و رفاه زدگی با شعار مانور تجمل - وارد نمود که این امر خود به مسیر باارزش شدن ثروت منتهی گردید.¹

اینک با توجه به این پیشینه و نیاز جامعه امروزی به کنکاش در این مسأله ، به بررسی تجمل گرایی از دیدگاه دین مبین اسلام خواهیم پرداخت.

1-7 ضرورت تحقیق

یکی از آفت های مهمی که جامعه اسلامی ما را تهدید می کند، تجمل گرایی و رفاه زدگی و گرایش افراطی به ظواهر دنیوی است که غفلت از آراستگی های درونی و معنوی را به دنبال دارد. گروههای اجتماعی پایین هم گاه دست به تجمل گرایی می زنند و ازسبب غذایی یا بهداشتی خود می کاهند. تا بتوانند خریدهها و رفتارهای تجمل گرایانه انجام دهند، اما اوج تجمل گرایی را در اقشار بالا و پردرآمد جامعه می توان دید؛ مساحت، مترآژ و نوع دکوراسیون منازل که متناسب با نیازها نیست، استفاده از اتومبیلهای آخرین مدل و گرانیقیمت خارجی، تعویض سالانه سرویسهای زیورآلات و دکورها در برخی از خانوادهها، مصرف پوششهای فخر فروشانه و گران و برپایی جشنها و مجالس بسیار پرهزینه از مصادیق واضح تجمل گرایی است.

بارزترین آثار تجمل گرایی را در سخت تر شدن شرایط زندگی مشترک و پرهیز جوانان از ازدواج به دلیل همین شرایط مشکل می توان دید.

¹ ر.ک: همان منبع ، ص 199.

از سوی دیگر رواج تجمل گرایی بیانگر این است که در حالی که بسیاری از اقشار جامعه در رفع نیازهای ابتدایی درمانی و معیشتی ناتوانند، اقشار پردرآمدتر به راحتی حاضرند چند صد برابر این هزینه ها را صرف کالاهایی کنند که کارایی چندانی جز نشانه سبقت از طبقه ای به طبقه دیگر ندارد. ریخت و پاش بی مورد، خرج کردن های بی برنامه، چشم و هم چشمی ها، تجمل گرایی و بالاخره بی توجهی به قناعت، اگر نگوییم یک بیماری روحی و روانی است، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که از یک سو معنویت را در افراد می خشکاند و از سوی دیگر، می تواند به یک معضل برای جامعه تبدیل شود، خصوصاً زمانی که به عنوان یک فرهنگ معقول و یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار بگیرد.

نمی توان این نکته را منکر شد که فرهنگ تجمل گرایی پایه های زندگی بسیاری از خانواده ها را در جامعه ما می لرزاند و از آنجا که بسیاری از آنچه مصداق بارز تجمل گرایی به حساب می آید، صورت نوعی ضرورت زندگی و استفاده معمولی از مواهب طبیعی را به خود گرفته، بیم آن می رود که افراد برای به دست آوردن این «ضرورت» و رسیدن به این «مواهب طبیعی» انجام دادن هر کار و چیدن هر تمهیدی را مباح بدانند. در همین نقطه است که تجمل گرایی شکل یک فرهنگ پذیرفته شده به خود می گیرد. امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزشهای غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست.

ورود در بازار رقابت تجمل گرایی، گناهمانی چون: غرور، حسد، کینه توزی، شهوت پرستی و بی عفتی را به دنبال خواهد داشت. یک دسته به خاطر سرمایه و امکانات فراوان به شهوت رانی پرداخته و به قول خودشان از هر چمنی گلی را برمی دارند و عده ای کثیر از انسان های فقیر و بی بضاعت، به خاطر اینکه در بازار تجمل گرایی و رقابت از قافله رفاه طلب، عقب نمانند، شرف و حیثیت خویش را حراج نموده و به خودفروشی روی می آورند. این فاجعه، هنگامی گسترش می یابد که بدانیم پدیده چند شغلی کارمندان در ایران از رهگذار فرهنگ تجمل گرایی شکل گرفته است، زیرا اغلب حقوق بگیران، ناتوان از ادامه این مسابقه اند و برای باقی ماندن در این چرخه می بایست کار و تلاش بیشتری را از خود به نمایش بگذارند.

بر همه دست اندرکاران تبلیغات، برنامه ریزها و اداره کنندگان جامعه و خانواده ها فرض است که دقیقاً و از روی احساس مسئولیت روی این مقوله بیندیشند و برای حل آن، برنامه ریزی کنند.

8-1 روش تحقیق

روش هر تحقیق باید متناسب با موضوع و داده های آن باشد تا هم قابلیت نظم بخشیدن و انسجام بحث را داشته باشد و هم شایستگی تجزیه و تحلیل آن موضوع را. از این رو در این تحقیق با استفاده از متون و منابع دینی پدیده تجمل گرایی مورد بررسی قرار می گیرد که هم جنبه توصیفی دارد و هم تحلیلی. بنابراین روش تحقیق در این تحقیق توصیفی و تحلیلی است.

9-1 هدف تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی علمی در زمینه ابعاد مختلف تجمل گرایی و تبیین ماهیت و شناخت عوامل پیدایش آن است و هم چنین شناخت آثار و پیامدهای منفی آن در جامعه و یافتن راههای مناسب برای پیشگیری و درمان این بیماری است. این پژوهش با ذکر نکاتی از آثار منفی تجمل در اسلام و جامعه... به بررسی آن پرداخته تا گوشه ای از راههای تهاجم فرهنگی دشمن را نشان دهد و ضمن آگاهی دادن از عواقب سوء تجمل گرایی و زیانهای جبرانناپذیر یا صعب العلاج آن، توجه خردمندان جامعه را به نیرنگهای جدید دشمن جلب کند و ضمن یاد آوری توجه اسلام به زندگی دنیایی مسلمانان به یاد آورد که دنیا محل زندگی موقت می باشد. خوشی های آن موقت و گذرا است و آنچه زندگی واقعی تلقی می شود، زندگی ابدی، راحت و همیشگی آخرت می باشد و در نهایت رسیدن به این نتیجه که راه برون رفت از تجملات استفاده ی درست از نعمت های خداوند است.

10-1 موانع و مشکلات

کمبود منابعی که متأسفانه راجع به موضوع تجمل گرایی وجود دارد؛ زیرا بعنوان یک مفهوم اخلاقی نسبت به بقیه مفاهیم اخلاقی کمتر به آن پرداخته شده است.

بخش دوم: مفهوم شناسی

11-1 تعریف واژگان مرتبط با تجمل گرایی

چون درک مفهوم تجمل و تجمل گرایی بدون در نظر گرفتن مفاهیم مترادف با آن ممکن نیست، اشاره ای کوتاه به این مفاهیم و شیوه کاربرد آن در قرآن کریم ضروری است. اینک به برخی از آن ها می پردازیم.

12-1 جمال:

جمال نزد اهل لغت به معنای حُسن و زیبایی در فعل و آفرینش است¹. راغب معتقد است که جمال بمعنی زیبایی بسیار است². به گفته طریحی نیز جمال هم بر صورتها هم بر معانی اطلاق می‌شود³.

خداوند نیز در قرآن، جمال را در هردو معنا به کار برده است. خداوند می‌فرماید: وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ⁴؛ شما را در چهار پایان آنگاه که از چراگاه بر میگرددانید و آنگاه که بچراگاه میفرستید زیبایی و خوش منظری هست. جمال در این آیه به معنای زینت و حسن منظر است⁵.

درباره زیبایی فعل و کار، نیز می‌توان به این آیه اشاره کرد: قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ⁶. گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبری نیکو (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت.

در این آیه، صبر به جمیل وصف شده است. تعبیر «صبر جمیل» نیز از زیبایی درون و باطن انسان حکایت می‌کند. هم چنین خدای متعال فرموده است: وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ⁷.

در این آیه، خداوند به پیامبرش (ص) دستور می‌دهد که در برابر لجاجت، نادانی‌ها، تعصب‌ها و مخالفت‌های سرسختانه‌ی کافران، ملایمت و محبت نشان دهد و با چشم پوشی از گناهان شان، آنان را ببخشاید؛ بخشایشی زیبا⁸. افزون بر آن می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْزَّوْجِكَ إِن كُنْتُنَّ

1 ر.ک: محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 11، چاپ: سوم، بیروت: انتشارات دار صادر، 1414 ق، ص 123
2 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ: اول، دمشق - بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، 1412 ق، ص: 202 و نیز ر.ک: سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 2، چاپ: ششم تهران: دار الکتب الإسلامیة، 1371 ش، ص: 53
3 فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ: سوم تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی، 1375 ش، ص 341.
4 نحل/6
5 محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، قم، ج 12، چاپ 4، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، 1374 ش، ص 311
6 یوسف/18
7 حجر/85
8 ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 11، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1374 ش، ص 127

تُرِدْنَ الْحَيَوَةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم!

در این آیه، تسریح به معنای رها کردن و سراح جمیل به معنای رها کردن بدون درگیری و دشمنی است.

13-1 زینت

زینت؛ یعنی آرایش و آن چه بدان آریند. ^۲ و به معنای هر امر زیبایی است که وقتی منضم به چیزی شود، جمالی به او می‌بخشد به طوری که رغبت هر کسی را به سوی آن جلب می‌کند. ^۳ خلیل بن احمد «زین» را نقیض «شین» دانسته و در تعریف زینت می‌گوید: «الزین نقیض الشین ... الزینه، جامع لكل ما یتزین به» ^۴ زیبایی نقیض زشتی است ... وزینت به هر چیزی که به واسطه آن، آراستگی صورت گیرد اطلاق می‌شود.

زینت در کوتاه سخن بر سه گونه است:

1- زینت و آرایش نفسانی مانند علم و اعتقادات نیکو (باورهای درست).

2- زینت بدنی مثل نیرومندی و بلندی قامت.

3- زینت خارجی یعنی به وسیله چیزی جدا از انسان مثل مال و مقام. ^۵

در قرآن این واژه و مشتق‌های آن در آیات بسیاری به کار رفته است. زینت در دو معنای زینت مادی و ظاهری و دیگری، زینت معنوی و باطنی به کار رفته است. خداوند در آیه زیر، زینت را در معنای مادی و ظاهری آن به کار برده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» ^۶ ای فرزندان آدم زینت را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و

¹ احزاب / 28

² محمد بن مكرم ابن منظور، پیشین، ج 13، ص 201؛ لغت نامه دهخدا، پیشین، ج 27، ص 654

³ محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج 13، ص: 333

⁴ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 7، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، 1410 ق، ص 387

⁵ راغب اصفهانی، پیشین، ص 388

⁶ اعراف / 31 و 33

بیشامید ، ولی اسراف نکنید ؛ زیرا خداوند اسراف کاران را دوست ندارد . بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده ، حرام کرده است ؟

جمله « خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ » هم اشاره به زینت های ظاهری و جسمانی مانند : پوشیدن لباس های مرتب و پاک ، شانه زدن موها و به کار بردن عطر است و هم زینت های معنوی ؛ یعنی صفات انسانی ، ملکات اخلاقی و اخلاص را در بر می گیرد . اشاره بعضی روایت های اسلامی به لباس خوب و یا شانه کردن موها یا سخن گفتن از مراسم عید و نماز جمعه، دلیل برانحصار نیست، بلکه هدف آن، بیان مصداق های روشن است . هم چنین در بعضی روایت های دیگر ، زینت به رهبران شایسته ، تفسیر شده است که بر گستردگی مفهوم آیه دلالت دارد و همه زینت های ظاهری و باطنی را در بر می گیرد .^۱

خداوند در آیه دیگری می فرماید : وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^۲ و موسی گفت: خدایا تو فرعون و اطرافیانش را زنت و اموالی سرشار در زندگی دنیا داده ای.

در این آیه ، زینت در معنای مادی و ظاهری آن به کار رفته است . آیات دیگری نیز در قرآن کریم ، زینت را در معنای ظاهری و مادی آن به کار برده اند .^۳ دسته ی دوم آیاتی است که زینت در آن ها به معنای زینت معنوی و باطنی به کار رفته است . برای نمونه ، خداوند در قرآن می فرماید : وَ لَآ كِنَّا اللَّهُ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ^۴ ای مؤمنان خداوند ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دلتان بیاراست . خداوند در این آیه ، زینت دادن و آراستن معنوی ایمان در قلب های مؤمنان را به ذات مقدس خود نسبت داده است . خداوند ، این نعمت را برای بندگان خوب و شایسته قرار داده است ؛ یعنی ایمان را محبوب دل آنان ساخته و به زیبایی ، زینت داده است .^۵ هر چند که در مواردی که بیان شده است جنبه زینت ظاهری کم تر توجه شده و به زینت و آراستگی تکوینی اشاره می شود ولی مواردی نیز در قرآن به زینت ها و آراستگی های ظاهری توجه دارد.

^۱ ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ج 6، ص 148

^۲ یونس / 88

^۳ ن.ک. طه ، 78؛ نور، 60؛ قصص، 79

^۴ حجرات / 7

^۵ اسماعیل حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج 2، بیروت، دارالفکر، بی تا، ص 79

14-1 تجمل گرایی در لغت و اصطلاح

تجمل گرایی، اصطلاحی است مرکب از دو واژه «تجمل» و «گرایی»؛ تجمل به معنای زیور بستن، آذین کردن، خودآراستن، مال و وسایل گرانبها داشتن، خودآرایی، جاه و جلال، خدم و حشم و ... آمده است¹. بنابراین تجمل در لغت به معنای خود را زینت دادن و آراستن است و به صورت اسمی به معنای وسایل آرایش و آنچه موجب نشان دادن شأن و شکوه باشد، به کار می-رود. آستاد شهید مطهری نیز در معنای تجمل قائل است که تجمل همان خود را زیبا کردن است و حدیثی داریم که «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»² خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. و گرایی به معنای «آهنگ کردن، میل و رغبت کردن»³ با توجه به این تعبیرها، تجمل گرایی به معنای رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی است. می توان گفت توجه مفرط به ظواهر زندگی و خروج از حد اعتدال در استفاده از وسایل دنیوی، تجمل گرایی نامیده می شود که ریشه در اسراف دارد که برای روشن شدن مطلب به توضیح این مفاهیم می پردازیم.

15-1 افراط

راغب اصفهانی می گوید: فرط به معنی تقدم و جلو افتادن است و افراط عبارت است از زیاده روی کردن در جلو افتادن و تفریط کوتاهی کردن است⁴. در فرهنگ معین آمده است فرط: گذشتن از حد، تجاوز کردن، پیش دستی کردن⁵. نتیجه ی افراط و زیاده روی در اموری که اسلام سفارش به اعتدال و میانه روی نموده است، خروج از مرز اعتدال بوده و همواره به صورت صفت منفی به کار می رود.

¹ فرهنگ فارسی، محمد معین، ج 1، تهران: امیرکبیر، 1371، ص 1032.

² لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، پیشین، ج 14. همچنین ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلام علی حداد عادل، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، چاپ اول، 1380، ج 6، ص 595

³ محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 6، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1362 ص 438.

⁴ فرهنگ فارسی، محمد معین، ج 1، تهران: امیرکبیر، 1371، ص 862.

⁵ راغب اصفهانی، پیشین، ص: 631

⁶ محمد معین، فرهنگ فارسی، پیشین، ج 2، ص 2520

16-1 حد

حد عبارت است از مانع بین دو چیز که از اختلاط آن دو جلوگیری می نماید.¹ به تصریح راغب علت تسمیه حدّ زنا و حدّ خمر آنست که مرتکب را از ارتکاب جدید باز میدارد و نیز دیگران را از ارتکاب آن منع میکند.² خداوند در قرآن می فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا»؛³ آنهاست مرزهای خدا پس بآنها نزدیک نشوید. «

مراد از حدود الله احکام خداست اعمّ از محرّمات و واجبات که باید بمحرّمات نزدیک نشد و از واجبات تجاوز نکرد .

حد در مورد مصارف شخصی ، امری است بسته به اعتبار عرفی و بر همین اساس وضعیت افراد نسبت به هم در این مورد متفاوت است ؛ به عبارت دیگر حد مجازی که عرف اجتماعی برای مصارف شخصی و خانواده تعیین می کند، بلکه به اندازه ی تفاوت های مالی و موقعیت های اجتماعی افراد متفاوت است و لذا ممکن است مصرف مقدار معینی از مال ، در یک مورد از شخصی اسراف باشد ؛ در حالی که مصرف همان مقدار در آن مورد ، برای شخص دیگری که از وضع مالی و موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار است ، اسراف نباشد . حضرت صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «رُبَّ فَقِيرٍ أُسْرَفَ مِنْ غِنَى فَقُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أُسْرَفَ مِنَ الْغِنَى فَقَالَ إِنَّ الْغِنَى يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ وَالْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ؛ چه بسا فقیری که اسراف پیشه تر از ثروتمند است . عرض شد : چگونه ؟ حضرت فرمودند : ثروتمند از آنچه دارد ، خرج می کند و فقیر بدون تمکن مالی اضافه بر شأن خود انفاق می نماید . «

اما قانون شرعی و یا حدی که براساس موازین عقلی تعیین و تحدید می شود ، درهر شرایط و در مورد هر شخصی یک نواخت و ثابت است و با اختلاف حال و شرایط زمانی و اجتماعی مصرف کننده تفاوت پیدا نمی کنند ؛ بدین معنا که خرج مال در راه گناه به هر اندازه و ازهر کس در همه ی زمان ها و مکان ها ، اسراف و حرام است ؛ همچنان که اتلاف و ضایع کردن ثروت به هر مقدار و با هر موقعیت اقتصادی و اجتماعی ، مصداقی از اسراف خواهد بود .

¹ راغب اصفهانی، پیشین ، ص: 221.

² همان

³ بقره/187

⁴ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه ، ج : 9 ، چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1402ق، ص : 243